

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روح... رجایی			■ شماره ۳۴۳۷ - ISSN ۱۷۳۵ ■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir ■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir			حدیث روز: پیامبر اسلام (ص): هر کس بخشی از کار مسلمانان را بر عهده گیرد و در کار آن‌ها مانند کار خود دلسوزی نکند، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.		
پلک احساس: ما همچو آدم از طمع خام دست خویش در خلد نان پخته خود خام کرده‌ایم			پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه:			اوقات شرعی:		
چهارشنبه، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ (۵/ رمضان ۱۴۴۱) صفحه ۵۶۴۷ استان تهران و البرز، ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها، ۱۰۰۰ تومان Wednesday - 2020 April 29			تهران ۱۱ / ۱۸ اهواز ۱۸ / ۳۱ اردبیل ۴ / ۱۵ اصفهان ۷ / ۲۲ بجنورد ۱۰ / ۲۱ بندرعباس ۲۶ / ۳۷ سنندج ۶ / ۱۹ قم ۱۲ / ۲۰			اذان ظهر: ۱۳/۴ اذان مغرب: ۱۹/۵۶ اذان صبح (فردا): ۵/۱۰ غروب آفتاب: ۱۹/۳۸ نیم‌شب شرعی: ۰۰/۲۰ طلوع خورشید(فردا): ۶/۳۰		
امروز در تاریخ:			روز ملی خلیج فارس شکست آمریکا در ویتنام (۱۳۵۴ ش- ۱۹۷۵م)					

🔖 سعیدشاه سوم، هفتمین پادشاه سلسله کنگرانیان، پادشاهی قاطی طور و دمدی مزاج بود و تصمیمات عجیب، بهوبی و متناقض می‌گرفت و هرچه اطرافیان تلاش می‌کردند او را از تصمیمات عجیب خود بی‌خیال کنند، توفیق نمی‌یافتند. روزی پادشاه پس از آن‌که بر سر مسائل خانوادگی با همسر سومش بحث و بگو‌گو کرد، بر او خشم گرفت و فرزند وی را که فرزندی امین و درستکار بود و امارت یکی از شهرهای مهم را به او سپرده بود، عزل کرد و به مأموران دستور داد به آن شهر رفته و او را دستگیر کنند و به‌طور کت‌بسته به دارالحکومه بیاورند. وقتی وی را به دارالحکومه آوردند، او را شخصاً تفهیم اتهام و محاکمه و به انصال دائم از مسوولیت‌های حکومتی محکوم کرد و فرزندش از همسر نهمش را که با وی بر سر مسائل مالی اختلاف نداشت به امارت آن شهر منصوب کرد. چندی بعد یک روز که پادشاه تصمیم گرفت در معیت همسران اول و سوم- که با یک‌یک آنها بر سر مسائل مورد اختلاف به توافق رسیده و آشتی کرده بود- برای تفریح و تفرج و پیک‌نیک به خارج از دارالحکومه بروند، وقتی به دشت‌های اطراف رسیدند، کاروان شتری را مشاهده کردند که صندوق‌های طلا و جواهرات بر پشت آنها قرار داشت و به‌سوی دارالحکومه در حرکت بود. پادشاه، مدیر اجرایی کاروان را احضار کرد و از وی پرسید این بار چیست و به کجا می‌رود. مدیر اجرایی کاروان گفت: اینها هدایای امیر جدید است که برای پادشاه ارسال کرده است و به‌سوی دارالحکومه در حرکت است. در این هنگام پادشاه که خوشحال شده بود، رو به همسر سوم کرد و پرسید: این هدایا در زمانی که پسر تو امیر آنها بود، کجا بودند؟ همسر سوم گفت: در خانه‌های مردم، نزد صاحبان‌شان. پادشاه از این پاسخ خشمگین شد. اما چون پسرش را قبلا عزل کرده بود، دستور داد مدیر اجرایی کاروان را کتک زدند و شترها را با بارشان از وی گرفتند و وی را در بیابان رها کردند و خاموش شدند.

نمایی از فرش خاکی جزیره هرمز در ساحل خلیج فارس



☼

همسایه به هم نزدیک شده و فرهنگ‌ها تا حدودی با هم تداخل پیدا می‌کنند. منظور از فرهنگ، گویش، پوشش، موسیقی و ... است. 🔖 **در این تداخل فرهنگی آیا فرهنگ ایرانی هم به کشورهای همسایه یا هند و آفریقا رفته و ماندگار شده است؟**
بله ! البته این مهاجرت فرهنگی الزاما همیشه از استان‌های همجوار خلیج فارس و هرمزگان نبوده اما فرهنگ ایرانی را نه تنها در کشورهای همسایه خلیج فارس بلکه کشورهای دورتر و در قاره آفریقا هم می‌توان دید. من در سفری که به زنگبار رفتم متوجه شدم در زبان سواحیلی این منطقه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کلمه فارسی پیدا می‌شود. حدود هزار سال قبل گروهی از شیرازی‌ها به زنگبار مهاجرت می‌کنند و هنوز هم به عنوان شیرازی‌ها معروف‌اند. آنها از نظر رنگ پوست و برخی آداب شبیه زنگباری‌ها شده‌اند اما هنوز خودشان را شیرازی می‌دانند و مراسم نوروز را طبق تقویم ایران برگزار می‌کنند. مسجد دارند و کتیبه‌هایی که در این مساجد دیدم شبیه کتیبه‌هایی است که در جنوب استان فارس هم موجود است. در کتیبه‌های تخت جمشید، مردمانی از اتیوپی ثبت شده‌اند که برای پادشاه ایران زرافه‌های کوچک که مختص این کشور است را هدیه آورده‌اند. همه اینها نشان می‌دهد فرهنگ و تمدن ایرانی را نمی‌توان حذف کرد یا تغییر داد و تغییر نام خلیج فارس هم توهمی بیش نیست. 🔖

گفت‌وگو با دکتر احمد نادعلیان، هنرمند و پژوهشگر درباره روز ملی خلیج فارس «خلیج فارس» جاده تمدن است

حتی اگر کشورهایی قدرت سیاسی داشته باشند، نمی‌توانند تاریخ تمدن را تغییر دهند. هویت ملی و فرهنگی، اتفاقی خشک و بی‌منطق نیست که بخوایم از روی تعصب از آن حمایت کنیم. انتظاری پژوهشی، علمی و فرهنگی است که اثبات آن راحت است. تغییر نام خلیج فارس به هر نام دیگر زمانی مناقشه برانگیز است که غضب فرهنگی باعث، مداخله نظامی شود. توهمی که برای صدام حسین هم پیش آمده بود و می‌گفت چون برخی از ساکنان خوزستان عرب هستند یا به زبان عربی صحبت می‌کنند، پس متعلق به عراقند و همین تفکر باعث شد به ایران حمله کند. این‌د در حالی است که اگر صدام تاریخ می‌دانست یا تمدن ایرانی را قبول می‌کرد به این نکته هم پی‌می‌برد که روزگاری، عراق جزو «ایران بزرگ» بوده. حتی برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هم زمانی متعلق به ایران بزرگ بوده‌اند. واقعیت این است که اگر سیاستمداران تاریخ ایران و تاریخ تمدن و هنر بدانند هرگز به تغییر نام خلیج فارس فکر نمی‌کنند.

🔖 **چندین سال است در جزیره هرمز موزه‌ای دایر کرده‌اید، برای حفظ میراث هرمزگان و خلیج فارس، آیا این میراث نشان‌دهنده تمدن کهن ایران است؟**
استان‌های جنوبی ایران به خلیج فارس نزدیک هستند و هر کدام از فرهنگ زیستی این خلیج بهره‌مندند. اما تا جایی که اطلاعات من اجازه می‌دهد، معتقدم بخش زیادی از فرهنگ هرمزگان متعلق به «ایران بزرگ» است. هنوز در این منطقه می‌توان کلماتی را شنید که متعلق به ایران باستان است. هرچند بنا به نزدیکی به دریا از فرهنگ کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، آفریقا و هند هم تاثیرگرفته‌اند و می‌توان ردپای فرهنگی این کشورها را در هرمزگان دید. وقتی راه‌ها، آبی می‌شوند، اتصال کشورهای

🔖 **نام ایران و نام پارس (فارس) گره‌خورده به تمدن بشریت است. پارسیان یا سرزمین وسیعی که در اختیار داشتند، پایه‌گذار تمدنی هستند که هیچ تاریخ‌نگاری نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کرده یا آن را تغییر دهد. در روزی که بنام روز ملی خلیج فارس نامگذاری شده با دکتر**

احمد نادعلیان هم صحبت شد تا او که عاشق ایران و تمدن ایرانی است و موزه‌ای در جزیره هرمز راه‌اندازی کرده تا میراث فرهنگی و اجتماعی خطه خلیج فارس را حفظ و ترویج کند. برایمان از خلیج فارس و اهمیتش برای ایران و جهان بگویید.

🔖 **چند سال است که برخی از سیاستمداران منطقه و جهان تلاش می‌کنند نام خلیج فارس را تغییر دهند، به نظرتان چرا ما باید روی نام خلیج فارس تعصب داشته باشیم و هر کسی در حد توان خود مقابل این تغییر و هویت مقاومت کند؟**

به نظرم بحث تعصب نیست، ماهیت و تاریخی است که پشتوانه نام و هویت خلیج فارس است. وقتی می‌گوییم اقیانوس هند، دیگر جای بحث و جدل و تصمیم برای تغییر نام این اقیانوس نیست. خلیج فارس هم از قدیم بوده، از زمان هخامنشیان. اگر بخواهند تاریخ را تغییر دهند، خودشان با مشکل روبه‌رو می‌شوند. در کتب تاریخی نام خلیج فارس نوشته شده، چگونه می‌خواهند این نام را در هزاران کتاب تغییر دهند؟ یا چگونه می‌خواهند به دانش‌آموزان و دانشجویان خود تفهیم کنند که نام یک خلیج از اول تمدن بشری فارس بوده اما یکباره و بدون هیچ توجیهی تغییر کرده و شده عربی! فرهنگ و زبان فرهنگ را نمی‌توان شست‌وشو داد و آن را عوض کرد،

فرهنگ و هنر

فرزند مرحوم احمد عزیزی از ابلاغ حکم تخلیه خانه پدرش می‌گوید

خانه دوست کجاست؟

🔖 «اینها را بنویسید، همه‌اش را. شاید

دوستان پدرم هم خواندند و بی‌سرپناه و آواره نشدم. همه‌اش را لطفاً بنویسید.

بنویسید اگر پدرم شاعر انقلاب نبود و این همه

دست از مال دنیا نداشت بود، شاید من حالا خانه‌ای داشتم و اوضاع مالی بهتری. همه را بنویسید تا دوستان پدرم بخوانند...» ابوالفضل پسر احمد عزیزی اینها را با ناآرامی حتی می‌گوید. حالا که آخرین اخطاریه بنیاد مستضعفین به دستش رسیده تا خانه‌ای که در اختیار پدرش قرار گرفته بود را تخلیه کند، امیدوار است که به کمک رسانه‌ها و رهبر انقلاب خانه پدرش به‌عنوان یکی از شاعران بنیانگذار شعر انقلاب به‌همین شکلی که هست باقی بماند و او هم سرپناهنش را از دست ندهد.

🔖 **شاعری که در پی مال دنیا نبود**

وقتی روز گذشته نامه تخلیه خانه احمد عزیزی را دیدیم تعجب کردیم. راستش همه این سال‌ها بی‌خبر بودیم از این‌که پسرِی دارد به نام ابوالفضل که حالا حدود ۲۹ ساله است و آن‌طور که خودش می‌گوید سال‌ها درگیری با بیماری پدری که دل در مال دنیا نداشته و ساده زندگی کرده است، چیزی برایش باقی نگذاشته جز خانه‌ای که این روزها در منطقه فرمانیه تهران قرار دارد اما ۴۰ سال پیش بخشی از روستای رستم آباد بوده است.

ابوالفضل می‌گوید: پدرم از بنیانگذاران شعر انقلاب اسلامی بوده، مثنوی و شطحیات مدرن

را به شعر انقلاب افزوده است و تمام سال‌های عمرش را برای انقلاب نوشته و قلم زده است. پدرم وقتی به تهران آمد و در روزنامه کیهان کار می‌کرد، خانه‌ای نداشت و آواره بود. با عنایت رهبر معظم انقلاب، خانه‌ای در اختیار پدرم قرار گرفت تا سکونت کند این‌ خانه هدیه نبود، بلکه پدرم بخشی از پول این خانه را نیز پرداخت کرده بود؛ هرچند کمتر از میزان متعارف آن زمان.

او می‌افزاید: بعد از مرگ پدرم اما بنیاد مستضعفان چندین بار پیگیر پس گرفتن خانه شده و نامه‌های تخلیه به دستم رسیده است. پدرم ۳۷ سال خدمت صادقانه داشت برای انقلاب هر کاری که توانست انجام داد و بیش از ۴۰ جلد کتاب هم منتشر کرد.

پسر زنده‌یاد احمد عزیزی از توجه ویژه رهبر انقلاب به پدرش حرف زده و می‌گوید: پدرم و حضرت آقا خیلی دوست بودند، آنقدر که وقتی پدر بیمار بود به دیدنش آمدند و بعد از مرگش پیام دادند، آنقدر که حواسشان به هزینه‌های بیمارستان پدرم بود و نمی‌گذاشتند شرایط برای ما سخت شود، اما باور کنید ۹ سال تهیه پول داروهای پدرم خودش کار خیلی دشواری بود و من و اقا سال‌های دشواری را از سر گذراندم.

🔖 **شاعر انقلابی فرمانیه‌نشین!**

وقتی روز گذشته مجاری خانه احمد عزیزی و حکم تخلیه و ... مطرح شد، بسیاری بر این نکته تاکید کردند که چرا اصلا شاعر انقلابی باید فرمانیه نشین باشد. چرا خانه‌اش جایی وسط شهر یا پایین شهر پیش مردم عادی نبوده است و ... ابوالفضل که از دیدن چنین

کامنت‌هایی خیلی ناراحت شده می‌گوید: آقای سعید بیابانکی در صفحه شخصی‌شان در اینستاگرام درباره اتفاقاتی که برای خانه محل سکونت پدرم و من افتاده مطلبی منتشر کردند، بخشی از بازخورد‌ها به انتقاد از در اختیار قرار دادن خانه‌ای در فرمانیه به پدرم بود. متأسفانه این انتقادات در حالی مطرح می‌شود که این موضوع نادیده گرفته شده که آن زمان، یعنی ۳۷ سال پیش، اینجا یک ده بود و شرایط زندگی در اینجا همانند الان نبود. خانه‌ای که الان می‌خواهند پس بگیرند هم اوضاع خوبی ندارد و من درآمد کافی برای تعمیر آن ندارم.

🔖 **این خانه باید بماند**

او چند سالی است که موفق شده شغل ساده‌ای پیدا کند و با حقوق ماهی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان که همه می‌دانیم برای زندگی در تهران واقعا درآمد کمی محسوب می‌شود، روزگار می‌گذرانند. ابوالفضل با گالایه از امکان تحویل این خانه اضافه کرد: در همه کشورها سعی می‌کنند تا آثار معنوی شاعران و هنرمندان حفظ شود. پدرم سال‌ها در حوزه ادبی فعالیت کرد و توانست نام خود را به عنوان یکی از تاثیرگذاران در جریان شعر انقلاب ثبت کند. او با انتشار آثارش توانست در حوزه شعر معاصر جریان‌ساز باشد، سؤال من این است که آیا نباید میراث معنوی او را حفظ کرد و پاس داشت؟

او ادامه می‌دهد: پدرم آدم شاعر مسلکی بود و اصلاً اهل زندگی مادی نبود. زندگی یک آدم شاعر با زندگی سایر آدم‌ها فرق دارد. بعد از فوت او وعده‌هایی داده شد، اما هیچ کدام

نمایی از فرش خاکی جزیره هرمز در ساحل خلیج فارس

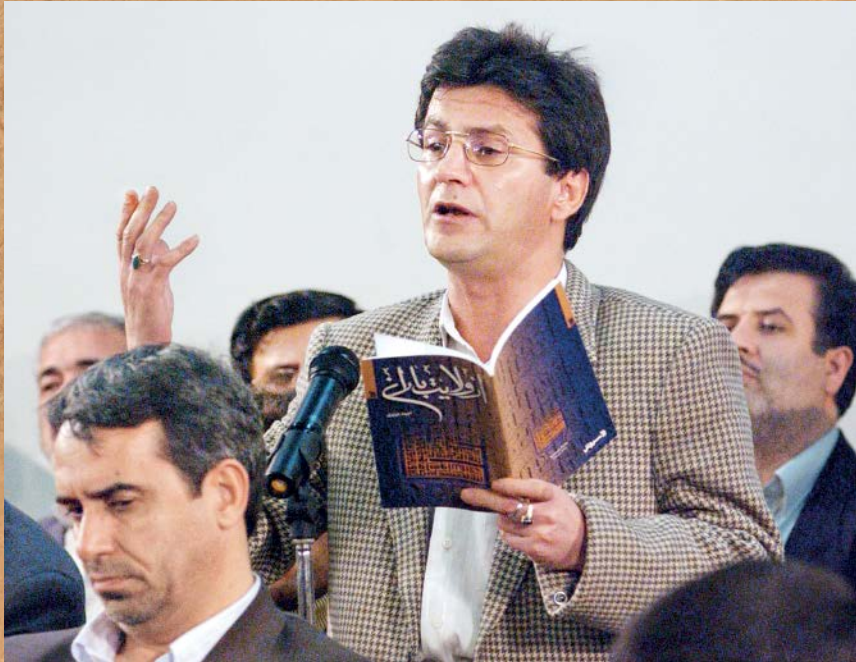
نمایی از فرش خاکی جزیره هرمز در ساحل خلیج فارس



☼

همسایه به هم نزدیک شده و فرهنگ‌ها تا حدودی با هم تداخل پیدا می‌کنند. منظور از فرهنگ، گویش، پوشش، موسیقی و ... است. 🔖 **در این تداخل فرهنگی آیا فرهنگ ایرانی هم به کشورهای همسایه یا هند و آفریقا رفته و ماندگار شده است؟**
بله ! البته این مهاجرت فرهنگی الزاما همیشه از استان‌های همجوار خلیج فارس و هرمزگان نبوده اما فرهنگ ایرانی را نه تنها در کشورهای همسایه خلیج فارس بلکه کشورهای دورتر و در قاره آفریقا هم می‌توان دید. من در سفری که به زنگبار رفتم متوجه شدم در زبان سواحیلی این منطقه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کلمه فارسی پیدا می‌شود. حدود هزار سال قبل گروهی از شیرازی‌ها به زنگبار مهاجرت می‌کنند و هنوز هم به عنوان شیرازی‌ها معروف‌اند. آنها از نظر رنگ پوست و برخی آداب شبیه زنگباری‌ها شده‌اند اما هنوز خودشان را شیرازی می‌دانند و مراسم نوروز را طبق تقویم ایران برگزار می‌کنند. مسجد دارند و کتیبه‌هایی که در این مساجد دیدم شبیه کتیبه‌هایی است که در جنوب استان فارس هم موجود است. در کتیبه‌های تخت جمشید، مردمانی از اتیوپی ثبت شده‌اند که برای پادشاه ایران زرافه‌های کوچک که مختص این کشور است را هدیه آورده‌اند. همه اینها نشان می‌دهد فرهنگ و تمدن ایرانی را نمی‌توان حذف کرد یا تغییر داد و تغییر نام خلیج فارس هم توهمی بیش نیست. 🔖

فرهنگ و هنر



🔖 **اتفاق تلخ تکراری**

طی دهه‌های گذشته همواره شاهد مواردی مشابه آنچه نوشتیم بوده‌ایم. خانه‌هایی که به هر دلیلی به شخص یا خانواده‌ای تحویل شده‌اند و به علت مشخص نشدن تکلیف آنها در زمان تحویل مشکلاتی ایجاد شده است. از جمله اتفاقی که حالا برای خانه احمد عزیزی رخ داده، پسرش می‌گوید: پدر در زمان تحویل گرفتن خانه مبلغی پرداخته است اما به دلیل مشخص نشدن تکلیف خانه در همان زمان حالا حکم تخلیه به دستشان رسیده است. جدای از سرنوشت فرزند احمد عزیزی این سوال مطرح است که چرا باید خانه‌های شاعران، نویسندگان و مهره‌های هنری که در تمام دنیا به‌عنوان محلی برای ترویج فرهنگ و هنر حفظ و تبدیل به موزه می‌شوند، سرنوشتی نامشخص داشته باشد. آنقدر که به‌گفته فرزند عزیزی نه کتاب‌هایش تجدید چاپ شود، نه بنیادی به نام او فعالیت کند و نه کسی به دنبال انتشار آثار منتشر نشده‌ها باشد که مانده‌اند گوشه کمد و خاک می‌خورند.

عملی نشد. نه آثارش به چاپ می‌رسد، نه بنیادی به نامش فعالیت می‌کند و نه طبق وعده‌ای که داده بودند، آرامگاهی برای او ساخته شد، حالا هم می‌خواهند خانه‌اش را پس بگیرند. واقعا این حق پدرم نیست، حق من نیست. گاهی فکر می‌کنم اگر پدرم کارمند فلان اداره بود من شرایط بهتری داشتم. فرزند زنده یاد احمد عزیزی که از اتفاقات بسیار رنجیده می‌گوید: باور کنید به شاعران قبل از انقلاب بیشتر رسیدگی می‌شود، کتاب‌هایشان چاپ می‌شود و تلاش‌ها برای حفظ خانه‌شان ادامه دارد، اما درباره پدر من با یک عمر فعالیت انقلابی همه چیز طور دیگری پیش رفته است. همه حرف‌هایم را بنویسید، همه‌اش را... امیدوارم رهبر انقلاب بخواند، دوست پدرم که می‌دانم چقدر همدیگر را دوست داشتند، امیدوارم ایشان حرف‌هایم را بخواند و کمک کند تا هم سرپناهم را از دست ندهم و هم محل زندگی مردی که ۴۰ سال شاعر انقلاب بود و عاشق انقلاب، حفظ شود.